

معرفی اجمالی تذکرهٔ همیشه بهار

دکتر زییر احمدقمر*

چکیده

در میان پاسداران زبان و ادب فارسی دو طایفه از جاه و مقام برجسته‌ای برخوردارند، یکی شاعران و دیگر عارفان. شاعران و سخنوران افکار و اندیشه‌های خود را در قالب زبان فارسی به شعر درآوردند و عارفان که بیشتر با اهل علم و مدرسه سروکار داشتند، تألیفات خود را به نثر فارسی فراهم آوردند و از این میان حد و مرزی نه از نظر جغرافیایی وجود داشت و نه از دید مذهبی. بسیاری از فضلا و ادبای مسلمان و هندو و دیگر مذاهب از ایران و هند و ماوراءالنهر و دیگر مناطق جهان، افکار و اندیشه‌های خود را به فارسی نگاشتند.

وجود صدها تذکره که حاوی شرح حال و زندگی هزاران شاعر و ادیب زبان فارسی است، نشانه حوزه تسلط زبان و ادب فارسی در سراسر جهان است. نفوذ زبان فارسی از کناره دریای مدیترانه تا سرحد چین و منتهی الیه شبه قاره هند گسترش داشته است و هر جا که شاعری به فارسی ترانه‌ای سروده، سفیر این زبان و فرهنگ به شمار آمده و نام و شعرش در تذکره‌های احوال شاعران و سخن‌دانان بدون در نظر گرفتن موطن و زادگاهش ضبط شده است. بسیاری از تذکره‌های شاعران به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های بزرگ و کوچک جهان وجود دارد. اگرچه همه تذکره‌ها به یک نوع و با یک دید نیستند و عوامل مختلف در روح و فکر تذکره‌نگار اثر داشته است؛ و همه قضاوت‌ها را نمی‌توان کامل دانست، به هر حال تذکره‌ها برای ترتیب تاریخ شعر و ادب بسیار مهمند.

چنان‌که می‌دانیم زبان فارسی صدها سال زبان رایج و رسمی شبه‌قاره بوده است. تذکره شاعران فارسی یکی از مهم‌ترین اسناد برای نشان دادن گستره زبان و ادب فارسی در هند است. نخستین تذکره فارسی، «لباب‌الالباب» را محمد عوفی در هند نوشته است و بعد از او دیگر نویسندگان و ارباب تحقیق به نگارش تذکره روی آوردند. از جمله تذکره‌هایی که در هند نوشته شد، عبارتند از:

- لطایف‌الخیال تألیف شیخ مفید محمد بن عارف شیرازی؛

- کلمات‌الشعرا تألیف محمدافضل سرخوش؛

- مرآت‌الخیال تألیف شیرخان لودی؛

- سفینه بی‌خبر تألیف عظمت‌الله بی‌خبر؛

- ید بیضا تألیف میرغلام علی آزاد؛

- تذکره ندرت تألیف علی فطرت عطاءالله قدرت؛

- گلدسته عبدالوهاب تألیف عبدالوهاب عالمگیری؛

- بهارستان سخن تألیف میرعبدالرزاق صمصام‌الدوله؛

- ریاض‌الشعرا تألیف علی قلی داغستانی؛

- منتخب‌الاشعار تألیف میرزا کاظم؛

- منتخب‌حاکم تألیف حاکم لاهوری؛

- تذکره بی‌نظیر تألیف عبدالوهاب افتخار؛

- خرانه عامره تألیف غلام علی آزاد؛

- نشتر عشق تألیف حسین قلی خان عاشق؛

- نگارستان سخن تألیف سید نورالحسن خان؛

- اختر تابان تألیف ابوالقاسم محتشم.

هرچند رواج و رونق زبان فارسی بیشتر در میان مسلمانان منطقه بود، این زبان برای ارائه مفاهیم و انتقال اندیشه‌ها و آراء مختلف در میان هندوان نیز نفوذی داشت. آثار گرانمایه‌ای در رشته‌های مختلف نگارش یافته که شمار آن‌ها از صدها فزون است. در این جا به ذکر چند نمونه از کتاب‌های تذکره اکتفا می‌شود:

- اینس الاحبا: از موهن لعل انیس؛

- اینس العاشقین: از مهاراجه رتن سنگه بهادر متخلص به «رخمی»؛

- تذکره سرور: از لاله هیت پرشاد متخلص به «سرور»؛

- تذکره وارسته: از سیالکوتی مل وارسته لاهوری؛

- جامع الفوائد یا انتخاب مجمع النفایس: از کهرک پت رای کایست؛

- جواهر زواهر: از رائی لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی؛

- حدیقه عشرت: از کنور درگا پرشاد سندیلوی؛

- حدیقه هندی: از بهگوان داس هندی متخلص به «هندی»؛

- رساله برهمن: از چندر بهان برهمن اکبرآبادی؛

- ریاض العارفین: از منشی آفتاب رای لکهنوی؛

- سفینه خوشگو: از بندرابن داس متخلص به «خوشگو»؛

- سفینه الشوق: از رای منکه رای شاهجهان آبادی متخلص به «شوق»؛

- سفیه عشرت: از دوارکاداس متخلص به «عشرت»؛

- سفینه هندی: از بهگوان داس متخلص به «هندی»؛

- شام غریبان: از رای لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی؛

- عیارالشعرا: از خوب چند ذکا؛

- گل رعنا: از رائی لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی که فصل دوم آن را به شعرای هند اختصاص داده و بالاخره، همیشه بهار از جمله تذکره‌های شاعران فارسی است که یک هندو به نام **کشن چند اخلاص** فراهم آورده و در آن بسیاری از پارسی‌سرایان هند از مسلمان و هندو را شناسانده و گزیده آثارشان را آورده است.

کشن چند اخلاص

نام اخلاص را همه تذکره‌نویسان کشن چند نوشته و تخلص وی را «اخلاص» گفته‌اند. میرعبدالحی تابان؛ یکی از معاصرین اخلاص، در پایان یک غزل اردو با ردیف اخلاص چنین نوشته است:

سخن مین اونکی محبت کی بوهی تابان رکھی هین تپ کشن چند جیو سهم اخلاص
علاوه بر این در مواضع متعدد - چنان که در ذیل شرح حال خود و در شعرها - نام خود را اخلاص آورده است.

به سال تولد او هیچ یک از کتاب‌های تذکره و تاریخی اشاره نکرده‌اند، ولی از مطالعه این کتاب‌ها برمی‌آید که وی در اوایل قرن دوازدهم هجری، در دهلی متولد شده است و از حیث نسب با کهنتری میهره که در سلطنت تیموریان هند جای‌گاهی شایان داشتند، پیوند داشت. پدرش، اپلااس مشرب درویشی داشت؛ چنان‌که منزل وی نیز مرکز تجمع علما و فضلا شده بود و غالباً در صحبت فقرای صاحب کمال به سر می‌برد.

«اخلاص» در سایه تربیت پدر علوم عقلی و نقلی را کسب کرد، و شخصیت او به سبب اختلاط با مردمانی که دارای عقیده‌ها و نظرهای مختلف بودند، متأثر شد و بر اثر صحبت مسلمانان و بزرگان و فقرای دین‌مبین، وسعت مشرب پیدا کرده، از تنگنای تعصب مذهبی بیرون آمد.

«اخلاص» بعد از فوت پدرش، به سخن‌سنجی تمایل پیدا کرد و در شاعری به شاگردی شاعر هنرمند؛ میرزا عبدالغنی بیگ قبول کشمیری - که در شمار بزرگ‌ترین شاگردان میرزا داراب جوپا بود - علاقه‌مند شد. «قبول» که اصلاً بدخشانی و از اعزّه ملا بدخشانی بود، در کشمیر متولد شد. وی در آغاز شاگرد قاسم‌خان قاسم بود و سپس از میرزاداراب جوپا در شعر اصلاح پذیرفته است. اخلاص در شعر از دیگر استادان کامل نیز بهره‌مند شده است. عموم تذکره‌نویسان سال فوت اخلاص را ذکر نکرده‌اند، اما همه بر این اتفاق دارند که او در زمان احمدشاه (۱۱۶۰-۱۱۶۷ هـ) جان به جان آفرین سپرد.

در ذیل آثار اخلاص یک تذکره شعرای فارسی به نام همیشه بهار است که در بردارنده شرح حال شاعران از عهدا کبر پادشاه تا به عهد محمدشاه است و در آن شعرهایی که در کتب تذکره و بیاض مندرج است، آمده است. اخلاص از پارسی‌سرایان فاضل بود چنان‌که دیگران برای تکمیل اشعارشان به او مراجعه می‌کردند. دی بهان بهار در ذیل شرح حال اومی نویسد:

«مانند تخلص خود رنگین طبع است و مضامین تازه را به‌جودت طبع در الفاظ بلند ادا می‌کند و زبان شعر درست دارد و در عالم اخلاص و آشنایی‌ها عدیم‌البدل است. خدا سلامت دارد و کسب علم شعر از راقم این کلمات نموده.»

تذکره همیشه بهار

این تذکره در شمار تذکره‌های غیراصیل به‌شمار می‌آید و مشتمل است بر احوال و آثار ۳۴۰ شاعر که به ترتیب حروف الفبا، از روی حرف اول اسم یا تخلص هر شاعر تنظیم شده است. این اسامی از امیر الهی آغاز شده و با احمد یارخان یکتا به پایان می‌رسد و شامل شاعرانی است که در عهد اکبر پادشاه و جهانگیر و شاه جهان و اورنگ زیب و محمدشاه می‌زیسته‌اند.

شرح حال بیشتر شاعرانی که مؤلف در این تذکره آورده، از خود مؤلف است و بعضی را نیز از جایی دیگر نقل کرده است. چون اکثر شاعران این تذکره، معاصر مؤلف بوده‌اند و مؤلف آن‌ها را دیده یا با آن‌ها آشنایی داشته است، بیانات و اظهارات وی درباره آن‌ها قرین اعتبار و اعتماد است. اما مؤلف از این موقعیت و فرصت که ما هو حقّه استفاده نکرده و در ذیل شرح حال شاعران اکثر اطلاعات راجع به زندگی‌شان را مانند سال ولادت و وفات و شرح تحصیلات ثبت نکرده و به جای آن به نوشتن حکایات نامعتبر و بی‌ارزش پرداخته است. اکثر بیانات وی درباره شخصیت شاعران مختصر است، چنان‌که سیرشان نیز وضوح نمی‌یابد.

انتخاب اشعار شاعران در یک تذکره امری بسیار مهم است و در آن استعداد و قریحه مخصوصی لازم است و بدون این هنر، کار انتخاب مشکل می‌شود. انتخاب اشعار در این تذکره غالباً خوب نیست. از این انتخاب مقام و پایه و مایه ادبی و تشخیص سبک و سیاق سخن شاعران بر خواننده روشن نمی‌شود. از این نکته معلوم می‌شود که تذکره‌نگار از آن ذوق مخصوص بهره کمی داشته است.

در میان شاعران هند، بیدل و عرفی دارای روش مخصوصی بودند. از حیث فکر و معنی، کلامشان مزایای متباین دارد؛ ولی از اشعاری که اخلاص از آن‌ها اقتباس کرده دریافتن سبکشان محال است.

اخلاص از قریحه انتقادی، بهره کافی نداشت. بنابراین، در این تذکره روش نقد کم‌تر به کار آمده و اگر گاهی سبک شاعران را مورد بررسی قرار داده، در تتبع روش پیشینیان و معاصران، بر کلمات تعریفی اکتفا نموده، چنان‌که درباره شوکت بخارایی می‌گوید: «همچو

او سخنوری صاحب فطرت و معنی آفرین عالی قدرت تا حال به عرصه شهود نیامده.» دربارهٔ عتابی نوشته: «در معنی بابی و خوش فکری، یگانه عصر خود بود» و غیره. در ذیل شرح حال شاعران ذکر کرده که ایشان با میرزا عبدالغنی بیگ قبول که استاد وی بود، علاقهٔ شاگردی داشتند. شاعرانی مانند آزاد، اشتیاق، تمکین، جامع، حشمت، راضی، سیدعلی قلی خان، گرامی، محترم، زهت، ولی و غیره. در ذیل شرح حال بعضی از شاعران، کلمات توصیفی قبل از اسم یا تخلص آورده است که یا با اسم و تخلص هم وزن است و یا با آن دو سجع یا جناس دارد. الهی، مظهر فیض نامتناهی میر الهی؛ اچلداس، حقایق و معارف شناس اچل داس؛ ملاشاه، حقایق و معارف آگاه ملاشاه و نظایر این‌ها.

مؤلف مآخذ و منابع خود را در دیباچه یا خاتمه کتاب درج نکرده است، ولی از محتویات کتاب معلوم می‌شود که وی از کتاب‌های تذکره و تاریخی که پیش از او نوشته شده بوده، استفاده کرده، چنان‌که از تطابق و مقایسهٔ بیانات کتب چند اخلاص با بیانات دیگر نویسندگان واضح می‌شود که مؤلف تذکره‌های کلمات الشعرای سرخوش، تذکرهٔ نصرآبادی، مرآة الخیال و کتب تاریخی مانند اقبال‌نامهٔ جهانگیری و طبقات شاه‌جهانی و غیره را سرمشق خود قرار داده است.

قرن یازدهم و دوازدهم هجری دورهٔ تکامل زبان و ادبیات فارسی در هند بوده است. شاعران بزرگ مانند بیدل، آرزو، قبول و غیره و نویسندگان درجهٔ اول مانند سرخوش، خوشگو، علی‌قلی واله و غیره بر اثر اختلاط با زبان و ادب هندی نهضتی نوین را رواج دادند که به نام سبک هندی معروف است. از یک طرف لفاظی و عبارت‌پردازی جای ایجاز را گرفت و از طرف دیگر استعمال صنایع لفظی از قبیل جناس و مراعات‌النظیر و صنایع معنوی مانند ایهام، استعاره، کنایه، مجاز و تشبیه بی‌حد و قید معمول شد. اخلاص نیز تحت تأثیر روش مزبور، آن را برگزید. سبک انشای مؤلف در مقدمهٔ کتاب مصنوع است و گاهی نثر مسجع نیز به کار برده است.

روی هم رفته، این تذکره از حیث اصالت مطالب بسیار مهم است، زیرا در آن شرح حال بسیاری از شاعران معاصر مؤلف که ذکرشان در تذکره‌های دیگر نیامده، یافت می‌شود. مؤلف با اکثر شاعران ملاقات کرده و بیشتر اطلاعات را از روی دانسته‌های خود گرد آورده است و چون با بسیاری از شاعرانی که معاصر او بودند، از نزدیک آشنایی داشته، بیانات وی دربارهٔ ایشان مورد اطمینان و با ارزش است؛ از این رو در اغلب تذکره‌های فارسی که بعد

از آن نوشته شده، تذکره نگاران از همیشه بهار استفاده نموده‌اند. مانند تذکره بی نظیر، خزانه عامره، گل رعنا، نشتر عشق، نگارستان سخن، اختر تابان و غیره .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی